

اعلامیه

(نهضت آزادی ایران)

ان الحیوه عقیده و جهاد

هموطن:

«اقتضای اطاعت از (خدا) مبارزه با بندگی غیر او، و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای بکار بستن آن در طریق (حق) و (عدالت) و (خدمت) است. ما باید منزلت و مسوولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا برستگاری و پیروزی نائل شویم.»

هزاران سال از تاریخ بشریت گذشت تا اقوام پیشرفته وارسته‌ای مقام منبع انسانی را درک نموده با اجرای اصول آزادی، استقرار حکومت‌های دمکراسی اعمال فداکاری به آن درجه از رشد اجتماعی رسیدند که امروز پیش آهنگان کاروان بشریت و گردانندگان چرخهای علم و صنعت و سیاست هستند.

ملت ایران که به لحاظ سرمایه‌های طبیعی و استعداد‌های نژادی کم از دیگران نبوده و نیست طی قرون متمادی بر اثر فشار استبداد یا بعثت انقیاد در برابر استبداد، از حقوق اولیه انسانی تا حد زیادی محروم مانده، اجباراً کنج انزوا گزیده یک حالت بی ثمری و بی اثری را اختیار نمود.

مردم ایران با داشتن زنده‌ترین آئین مثبت اجتماعی در خواب غفلت فرو رفته با داشتن مذهبی که امتیاز و افتخارش مبارزه با تحمیل حکومت غیر ملی و دفاع از عدالت و آزادیست از طرفی در برابر جور و فسادمقاومت ننموده و از طرف دیگر مذهب را به وظائف فردی محدود و منحصر کرده و آنرا با پشت کردن به دنیای متری از سیاست جدا شناخت تا جائیکه کار حکومت را یکسره در کف زمامداران بی‌کفایت یا در اختیار فرومایگان دنیاپرست غارتگر گذاشت و باین سبب امنیت و سلامت و رشد و حرکت از کشور ما رخت بسته شخصیت و فضیلت کشته شد ضعف و ذلت جایگزین آن گردید. «دولت» مانند یک «اجنبی» در برابر «ملت» قرار گرفت. مدهنه و دروغ و ریا از یکطرف، سرپیچی از وظیفه و خدمت از طرف دیگر وسائل مشروعی برای هرگونه خیانت خصوصاً دستبرد به اموال عمومی تلقی شده بالاخره رذایل و مفاسد اخلاقی بر تقوی و مردانگی غلبه نمود... در داخل کشور مردم توسری خور مأمورین متعددی و در خارج کشور دولتهای ما مقهور اجانب و اقویا شدند.

در قرن اخیر تاریخ که امواج تمدن مغرب زمین به مشرق سرایت نمود. برتری و فشار گرانبار استعمار بر مردم این سامان فزون‌تر و به همان نسبت عرصه بر آزاد مردان غیور تنگ‌تر گردید تا آنکه معدودی از ایرانیان به سبب بیداری ملی و بیزاری از دشمنان داخلی و خارجی متوجه مشکلات اجتماعی و معترف بلزوم همکاری و اصلاحات وسیع عمومی گردیدند.

در همان حال در مقابل ملت ایران، در دنیای سراسر رقابت بین‌المللی و کشمکشهای اقتصادی و سیاسی مطامع خارجی به هیچ وجه تعطیل و تخفیف نیافته بلکه با حيله و حرص بیشتری ظاهر می‌شد. حکومت‌های داخلی که بیشتر برگزیده خانواده‌های تغییر نام داده استبداد بودند آماده‌ترین اسباب کار برای سیاستهای خارجی محسوب می‌شدند. نه اکثریت مردم چندان دست از روش و عادت قدیم و انزوای همیشگی برداشته فکر و تربیت اجتماعی گرفته بودند و نه حکومتها احترامی به انقلاب مشروطیت و اعتنایی به قانون اساسی داشتند.

بر خلاف اصل مسلم اساسی بدیهی از نظر مشروطیت و دموکراسی که (شاه باید سلطنت کند نه حکومت) دخالت‌های خلاف قانون بیشمار در امور عمومی و ممانعت‌های فراوان از بروز حق حاکمیت ملت و استفاده او از آزادی و عدالت بعمل آمد تا جایی که رهائی از ننگ عقب افتادگی و گسیختن زنجیرهای استعمار هدف اصلی و کمال مطلوب آزادیخواهان مملکت گردید.

در سال ۱۳۲۹ که هنوز نظم جهان بعد از جنگ دوم استقرار کامل نیافته عدم تعادل و توافقیهای دولتهای بزرگ اجازه تظاهر و دادخواهی را به کشورهای کوچک می‌داد ملت ستمدیده و بیدار شده ایران به رهبری پیشوای محبوب خود دکتر محمد مصدق علیرغم قدرت عظیم دشمن و ضعف عجیب خود به بزرگترین موفقیت تاریخی نائل آمد: با ملی کردن صنعت نفت ایران بر ارکان قدرت استعمار کهن نه تنها در کشور ما بلکه در خاورمیانه و دنیا شکاف عظیمی وارد آمد و سپس برای اولین بار ملت ایران با ایجاد یک حکومت مطلوب خود توفیق حاصل نمود و نیز برای اولین بار بین دولت و ملت همفکری صادقانه و همکاری صمیمانه آغاز گردید و طلوع امید بخش اصلاح و ترقی در افق کشور ما نمایان گشت. ولی نهال آزادی و حکومت ملی هنوز سایه‌ای کافی بر صحنه پهناور کشور نگسترده و ثمری نداده بود که سیاستهای خارجی مطرود از طریق حيله و نیرنگ با سوء تعبیر سیاست حکومت ملی و با توسل به کودتا حکومت را از دست ملت ایران خارج کردند.

کسانیکه بطرفداری از اعلامیه‌های حقوق بشر تظاهر می‌کردند علنا و به بهانه احتمال پیش افتادن یک سیاست خارجی رقیب با دخالت و حمایت آشکار خود از هیئت حاکمه منصوب خود، حق زندگی و آزادی و امنیت را از مردم ایران گرفتند. مانع انتخابات آزاد و سد ابراز افکار مردم شدند. علیرغم اراده ملت با اعمال وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها حکومت را در ید دست نشانندگان خود محفوظ داشتند و خوش خدمتی و خیانت‌های آنان را ببهای هنگفت‌ترین دزدیهای تاریخ ایران و جهان از مالیه مردم پاداش دادند.

ولی مزه آزادی و آزادی و حکومت ملی نه چنان بود که مردم جرعه‌ای نوشیده را تشنه‌تر نسازد و برای احقاق حق خود جسورتر نماید. مدت هشت سال تظاهرات و مقاومتها گوناگون با وجود اختناق و فشارهای فراوان ابراز شد تا آنکه در جریان انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی با اجتماع و ارتباط عده‌ای از سران فداکار ملت فعالیت مجدد (جبهه ملی ایران) اعلام گردید.

سپس با استفاده از مقتضیات جهان و الزامیکه هیئت حاکمه به تظاهر بر اعطای آزادی انتخابات احساس می‌نمود فعالیت و پشتکار مردم که از پیوند همت مبارزین سابق، جوانان دانشگاه، بازاریان و طبقات دیگر مردم روز بروز وسعت و قوت می‌گرفت بابطال انتخابات مفتضح اول، انحلال مجلس غیرقانونی ناشی از انتخابات رسوا کننده دوم، و سقوط پی در پی دولتهای متجاوز بحقوق ملت و روی کار آمدن که با احساس خطر به مجله و اصرار وعده آزادی و اصلاحات می‌دهد منتهی گردید تا پرده بعدی چه باشد؟

مردم نگران امنیت هستند. خسته از استبداد و اختناق هشت ساله، رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ دزدی و خیانت هیئت حاکمه‌ای که متاسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است خواهان سرنوشت بهتر - رهایی از ننگ و نکبت و استقرار یک حکومت ملی سازنده ایران پاک و آباد و آزاد است.

امر مسلم اینست که:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

اقتضای شرایط حاضر.

در این پیچ مهم تاریخ ایران.

با استعانت از پروردگار جهان.

با امید بمردانگی و همکاری هموطنان.

تاسیس (نهضت آزادی ایران) اعلام می‌گردد.

از طرف هیئت مؤسس نهضت آزادی ایران

سید محمود طالقانی - مهندس مهدی بازرگان - دکتر یدالله سبحانی - مهندس منصور عطائی

حسن نزیه - رحیم عطائی - عباس سمیعی